



## زمستان و نوروز در چراغ تپه سفلی تکاب آذربایجان غربی

عزیز رجیبی همپا

عزیز رجیبی همپا، متولد ۱۳۴۳، آموزگار از سال ۱۳۶۳، با تحقیقات خود در زمینه فرهنگ مردم، روستای چراغ تپه سفلی از توابع تکاب در استان آذربایجان غربی، نوشته‌هایشان را برای فرهنگ مردم رادیو می‌فرستادند. یکی از موضوعات مورد تحقیق ایشان مطلبی تحت عنوان «آداب و رسوم زمستان و عید نوروز» است که در اینجا آورده می‌شود.



اهالی چراغ تپه سفلی زمستان را به سه قسمت تقسیم می‌کنند که عبارتند از:  
۱- چله بزرگ (بویوک چیله)  
۲- چله کوچک (کی چیک چیله)  
۳- ماه عید (بایرام آبی)

### ۱- چله بزرگ

از اولین روز زمستان چله بزرگ شروع می‌شود و تا چهل روز از زمستان رفته ادامه پیدا می‌کند. اولین شب چله بزرگ به نام «شب چله» و به اصطلاح محلی «چیله گجه سی» معروف است.

مردم چراغ تپه سفلی، چند روز قبل از رسیدن چله و یا همان «شب چله» تدارک این شب را می‌بینند. یعنی این که برای این شب باید یک چیزی بخرند تا افراد

خانه، دور هم جمع شوند و زمستان را با خوشی و سلامتی انشاء الله شروع کنند.  
برای این منظور، اول سراغ هندوانه را می‌گیرند، چنانچه اگر هندوانه پیدا نکردند، دنبال تهیه میوه و



شیرینی می‌روند و برای شب چله آماده می‌نمایند. البته در کنار میوه و شیرینی، مقداری نیز، کشمش و خرما تهیه می‌نمایند و شب چله بعد از صرف شام، هندوانه و یا میوه و شیرینی را روی کُرسی می‌چینند و با شادی و صرف شیرینی و میوه زمستان را شروع می‌نمایند و از خدا خواستار، صحت و سلامتی تمام اعضای خانواده می‌شوند.

در شب چله، چنانچه اگر، پدر و مادر و یا سایر افراد خانواده با هم قهر باشند، آشتی می‌کنند تا زمستان را با خوشی، تمام افراد خانواده شروع کنند. اگر چنانچه، یکی از افراد خانواده در مسافرت باشد، سعی می‌کند، تا شب چله خودش را به خانه برساند تا در شب چله، تمام اعضای خانواده، با هم و کنار هم باشند و با هم زمستان را شروع کنند.

مردم روستای چراغتیۀ سفلی، چله بزرگ را «برادر بزرگ» می‌نامند و در این خصوص اعتقاد بر این دارند که، برادر بزرگ همیشه، کمرو می‌شود و بدین جهت، بسیاری از کارهایی را که از دستش برمی‌آید، نمی‌تواند انجام بدهد و چله بزرگ هم که «برادر بزرگ» است، زمستان را زیاد سرد نمی‌کند و بدین جهت، چهل روز اول زمستان که «چله بزرگ» است، زیاد هوا سرد نمی‌شود و باران و برف کمتر می‌بارد.

## ۲- چله کوچک

مدت این چله بیست روز است و بعد از تمام شدن چله بزرگ، از روز چهل و یکم زمستان شروع می‌شود و تا شصت روز از زمستان رفته ادامه می‌یابد.

اعتقاد مردم روستای چراغتیۀ سفلی، بر این است

که، چله بزرگ، برادر بزرگ است و چون برادر بزرگ همیشه، کمرو می‌شود، بنابراین نمی‌توانند بسیاری از کارهایی را که از عهده‌اش برمی‌آید انجام دهد و چله بزرگ هم که برادر بزرگ است، نمی‌تواند زمستان را سخت و سرد کند و چهل روز اول زمستان که چله بزرگ است، هوا زیاد سخت و سرد نمی‌شود.

چله کوچک، وقتی که نوبتش می‌رسد، به برادر بزرگ که همان چله بزرگ است، می‌گوید: «برادر بزرگ، تو نتوانستی در عرض این چهل روز کاری انجام دهی، حالا نوبت به من که برادر کوچک هستم، رسیده است، ببین چطور این بیست روز را سرد و سخت می‌کنم تا آب جوش و غذای مردم در داخل تنور یخ ببندد.

من آن قدر، این بیست روز را سرد کنم تا دست پیرزن را، در حالی که از ظرف روغن، روغن در می‌آورد، یخ کنم، تا نتواند، روغن را از داخل ظرفش بیرون بیاورد.

بنا به اعتقاد مردم چراغتیۀ سفلی، چله کوچک و یا همان برادر کوچک می‌آید و بعد از چله بزرگ بیست روز را سخت و سرد می‌کند بد نیست، این بیست روز را چله کوچک می‌گویند.

مردم روستای چراغتیۀ سفلی، بیست روز چله کوچک را به نوبت و از یک سمت، مثلاً از طرف قبله و یا از محله بالا، به خانه‌های مردم می‌اندازند و هر روز چله کوچک در یک خانه مهمان می‌شود بدین طریق، چله کوچک مجموعاً در بیست خانه مهمان می‌شود.

اعتقاد مردم، بر این است که اگر یک روز هوا در چله کوچک بر خلاف روزهای دیگر خوب و مناسب باشد، صاحب آن خانه‌ای که چله کوچک در آن روز،



مهمان آنها بوده، خوشرو هستند و بدین جهت، هوای آن

روز، خوب و مناسب بوده است.

چنانچه اگر یک روز هوای چله کوچک، خیلی سرد

و سخت باشد، صاحب خانه‌ای که چله کوچک، در آن

روز مهمان آنها بوده ترشرو هستند و بدین دلیل هوای

آن روز، سخت و سرد بوده است.

برای این که، در شمارش خانه‌ها و روزهای چله

کوچک اشتباه رخ ندهد روزهای چله کوچک را به ترتیب

و از یک سمت و از خانه شماره یک می‌اندازند تا این که،

چله کوچک در خانه شماره بیست به پایان می‌رسد.

سمتی که یک سال، چله کوچک را از آن جا به

خانه‌های مردم می‌اندازند، در سال دیگر آن، فرق می‌کند

و از جهت دیگری چله کوچک را به خانه‌های مردم

می‌اندازند.

البته گروهی معین، سمتهای انداختن چله کوچک را

به خانه‌های مردم مشخص نمی‌کند بلکه، سمتهای انداختن

چله کوچک به خانه‌ها، به ترتیب شروع می‌شود و

سالهای بعد نیز آن معلوم می‌شود. مثلاً اگر امسال از محله

پایین بوده در سال بعد از محله بالا شروع می‌شود.

### ۳- ماه عید (بایرام آبی)

بعد از تمام شدن چله بزرگ و چله کوچک، یک ماه

به عید نوروز مانده را، ماه عید (بایرام آبی) می‌نامند.

در مورد آب و هوای این ماه، اعتقاد دارند که، از

شدت سرمای زمستان کم کم کاسته می‌شود و زمستان

رنگ و بوی تازه‌ای می‌دهد.



دیگر به شب‌نشینی و به منظور احوال‌پرسی مریض آن خانواده، به خانه می‌آیند.

شب‌نشینی در کنار کُرسی انجام می‌گیرد و شب‌نشینها، کنار کُرسی می‌نشینند و مشغول صحبت می‌شوند و بچه‌ها نیز دور پیرمردها و پیرزنها را می‌گیرند و از آنها می‌خواهند که برایشان قصه و چیستان بگویند و پیرزنها و پیرمردها نیز برای آنها قصه و چیستان می‌گویند.

بچه‌ها، به همدیگر قصه می‌گویند و چیستانهای بچه‌گانه را در میان خودشان مطرح می‌کنند.



به طور مثال یکی از چیستانهای بچه‌گانه را مطرح می‌کنم، مانند:

به خانه و وسایل خانه نگاه می‌کنند و یکی از وسایل خانه را در نظر می‌گیرند و به آن عمومیت می‌دهند و می‌گویند: «آن چیست که در همهٔ خانه‌ها وجود دارد.» بعد از مدتی، صاحب‌خانه از آنها پذیرایی می‌کند و

مردم، دیگر سرمای زمستان را از یاد می‌برند و از اول، این ماه، مقدمات عید نوروز را تهیه می‌نمایند، از قبیل رویانیدن سبزه و سفید کردن خانه و تهیهٔ عیدی و همچنین بردن عیدی به جاها و مناطق دور دست.

چهارشنبهٔ کوتاه و چهارشنبهٔ آخر سال و همچنین جمعهٔ آخر سال نیز، جزء ماه عید می‌باشند که هر کدام مراسم و آداب خاصی دارند. (شرح کامل این مطلب ارسال گردیده)

### شب‌نشینی

شب‌نشینی معمولاً در شبهای دراز زمستان انجام می‌گیرد. و معمولاً این کار بعد از صرف شام صورت می‌پذیرد.

شب‌نشینی به دعوت قبلی صاحب‌خانه انجام می‌گیرد و در بعضی از مواقع نیز شب‌نشینها، سرزده وارد خانه می‌شوند.

شب‌نشینی ممکن است همراه تمامی افراد خانواده انجام گیرد. و این مواقع در صورتی است که صاحب‌خانه از فامیلهای نزدیک و یا همسایه باشد.

البته خانواده‌هایی که بچه زیاد دارند و ایجاد مزاحمت بیشتری می‌کنند ترجیح می‌دهند که میزبان شب‌نشینها باشند، تا این که خودشان به شب‌نشینی بروند. خانواده‌هایی که پیرزن و پیرمرد و یا مریض دارند، هیچ موقع به شب‌نشینی خانهٔ دیگر نمی‌روند، بلکه از جای

برای شب‌نشینها «شب‌چَرَز» می‌آورند.

شب‌چَرَز عبارت است از: مقدار سنجد، شیرینی قنادی، خرما و یا این که میوه است که می‌آورند و روی کُرسی می‌گذارند و از آنها پذیرایی می‌کنند. البته، خانواده نیز، شب‌نشینی را به نوبت می‌اندازند، و هر شب به نوبت به خانه یکدیگر برای شب‌نشینی می‌روند. پیرزن‌ها و پیرمرد‌ها، از زمان قدیم برای حاضران صحبت می‌کنند از جنگ‌ها و نحوه زندگی مردم و نداشتن امکانات رفاهی امروزه و غیره تعریف می‌کنند.

### ضرب‌المثل

«قش گدر، اَزُو قَرَه لیک، کُومُورَه قالار»

زَمستان می‌رود، رو سیاهی، به زغال می‌ماند.

برگردان: «زَمستان تمام می‌شود، ولی رو سیاهی به زغال می‌ماند.»

این ضرب‌المثل در مورد کسانی به کار می‌رود که، در موقع گرفتاری کسی به او کمک نمی‌کنند و بالاخره شخص گرفتار، از گرفتاری، بدون کمک دیگران، رها می‌شود و به آن کسانی که در موقع گرفتاری به او کمک نکرده‌اند می‌گوید:

«قش گدر، اَزُو قَرَه لیک کُومُورَه قالار».

«هَمَه شَه بایرام شنبه یَه تو شمَز»

hamaša bāyrām šanbaya tošmaz.

همیشه عید نوروز به شنبه نمی‌افتد.

کاربرد: در روستای چراغ‌تپه سفلی، این ضرب‌المثل در مورد کسانی به کار می‌رود که همیشه در معامله منفعت می‌کنند، ولی اگر یک بار ضرر و زیان ببینند، ناراحت می‌شوند و می‌گویند چرا ضرر کردیم؟!

«توی بیرامیدی»

toy bāyrāmidy

هَم عروسی اوست هَم عید اوست.

کاربرد: در هنگام سرسلامتی گفتن به خانواده کسانی که عمر زیادی داشته‌اند و فوت کرده‌اند، می‌گویند، چرا نگران و ناراحت هستید، الحمدلله زندگی خوب کرده و با نوه و نتیجه روزگار گذرانده است.

### پیشواز عید

اهالی روستای چراغ‌تپه سفلی یک ماه مانده به عید نوروز با سر و سامان دادن خانه‌هایشان به پیشواز سال نو می‌روند و برای این کار فرش و گلیم خانه را به رودخانه نزدیک روستا می‌برند و می‌شویند. بعد از شستشوی وسایل خانه، دیوارهای منزل خود را با گل سفید می‌پوشانند تا همه چیز رنگ و بوی تازگی بگیرد و بعد از آن که از امور منزل فارغ شدند، برای قوم و خویشان دور از محل خود، هدایایی می‌فرستند.

### چهارشنبه کوتاه

به چهارشنبه قبل از آخرین چهارشنبه سال اصطلاحاً «چهارشنبه کوتاه» یا کُوله (kulâ) می‌گویند. در این روز خاص بعضی از اهالی مقداری از موی اسب و سایر حیوانات را کوتاه می‌کنند.

### چهارشنبه آخر سال

عیدی دادن به نزدیکان در شب چهارشنبه آخر سال یکی از برنامه‌های مردم در این روستاست. از دیگر مراسم شادی آور در این زمان پرتاب کردن توپ شمعی





و روشن کردن بوته‌های آتش در پشت‌بام کسانی است که یکی از افراد خانواده‌شان را در سال قبل از دست داده‌اند. این کار به خصوص به وسیله ریش سفیدان آبادی انجام می‌شود. فال گوش ایستادن نیز یکی از مشغولیت‌های دختران جوان روستاست. عده‌ای از جوانان هم با مراسم شال‌اندازی لحظات شادی را می‌گذرانند.

### شال‌اندازی

این مراسم در دو مرحله انجام می‌شود: یکی در شب چهارشنبه آخر سال و دیگری در شب عید. در هر نوبت مراسم شال‌اندازی بعد از غروب آفتاب شروع می‌شود. شال‌اندازها که اغلب کودکان و نوجوانان هستند، پارچه‌ای به طول دو متر را از روزنه پشت‌بام به درون خانه اهالی محل می‌اندازند و بدون سر و صدا منتظر می‌مانند تا صاحبخانه شال را ببیند و درون آن خوراکی بگذارد. صاحبخانه با دیدن شال مقداری شیرینی و نقل و تخم‌مرغ در آن قرار می‌دهد و با صدای بلند می‌گوید:

«الله مطیلبی بین ورسین!»

(*āllāh matlābîn vârsin*).

یعنی خداوند مرادت را بدهد!

یکی از اصول این بازی ناشناس ماندن شال‌اندازهاست، ولی در مواقعی اگر صاحبخانه کنج‌کاوی کند و بخواهد آنان را بشناسد، باید در شال هدایای ارزنده‌ای قرار بدهد.

### جمعه آخر سال

بنا بر یک رسم قدیمی، همه اهالی یا تقریباً اکثر آنان در شب جمعه آخر سال به قبرستان می‌روند و با فاتحه‌خوانی و خیرات برای درگذشتگان خود از خداوند طلب آمرزش می‌کنند. عده‌ای هم ضمن تلاوت قرآن و راز و نیاز، مقداری خرما، حلوا و نان محلی به نام «آردک» (*ardâk*) تهیه می‌کنند و بین همسایگان تقسیم می‌نمایند.

### سیاه‌برداری

این مراسم در شب عید به مناسبت از سیاه‌درآوردن خانواده متوفی برگزار می‌شود، آن هم به این صورت که عده‌ای از اهالی و آشنایان خانواده‌های عزادار به نام سیاه‌برداران، در سینی بزرگی، آینه، شمع، شیرینی و عکس متوفی را قرار می‌دهند و به خانه یک یک عزاداران محله می‌روند و مقداری هم پارچه سفید و چند

کیسه خاکستر به همراه می‌برند.

در این دیدار، سوگواران بعد از اصرار سیاه‌برداران، به جای لباس سیاه، جامه سفید می‌پوشند و به قول معروف از عزا درمی‌آیند.

### تحویل سال نو

چند ساعت قبل از تحویل سال، اهالی روستای چراغ‌تپه با یک کاسه یا قوری به مسجد محله می‌روند. در آنجا قاریان قرآن تا قبل از تحویل سال در کنار تشت آب چهل بار سوره یاسین را قرائت می‌کنند که در این منطقه به «چهل یاسین» شهرت دارد. بعد از سال نو هر یک از شرکت‌کنندگان در مراسم و حاضران در مسجد، مقداری آب را برداشته و به خانه‌هایشان برمی‌گردند.

### تعاون و همکاری در سال نو

در راستای دیدار از خانواده‌های عزادار، چند نفر از ریش‌سفیدان که در یک جا جمع می‌شوند از فرصت استفاده کرده و با شور و مشورت، حمای، چوپان، گاوچران و خادم مسجد را تعیین می‌کنند. در بعضی مواقع نیز ممکن است، یکی از اماکن عمومی آبادی به تعمیر و مرمت نیاز داشته باشد، در این صورت درباره بازسازی و میزان هزینه مورد نیاز آن نیز تصمیمات لازم گرفته می‌شود. یکی دیگر از اموری که در ایام نوروز در بین اهالی مورد مشورت قرار می‌گیرد، رسیدگی به وضع مستمندان روستاست، که معمولاً همه مردم در این امر خیر نیز شرکت دارند.

### دروزه

اهالی چراغ‌تپه سُفلی به روز دهم فروردین اصطلاحاً «دروزه» می‌گویند. در این روز خاص آنان طبق باورهای با نگاه کردن به اوضاع جوی، وضعیت آب و هوا در سال جدید را پیش‌بینی می‌کنند. بعضی از مردم معتقدند اگر در روز دهم فروردین هوا صاف باشد و یا باران بیارد، سال خوب و بارانی در انتظار آنهاست و تابستان معتدل و زمستان گرمی خواهند داشت. اما اگر روز دهم فروردین، برفی باشد، زمستان طولانی، سخت و سردی در پیش دارند.

### سنگ‌اندازی

روز سیزدهم نوروز، گروهی از مردم ساکن چراغ‌تپه سُفلی روانه رودخانه محل می‌شوند تا با پرتاب کردن سنگ در رودخانه درد و بلای خود و خانواده‌شان را به آب بدهند و به اصطلاح از خود دور کنند.

آنان با پرتاب کردن سنگ‌های متعدد به رودخانه می‌گویند:

«قادام، بالام، درد و بلام، بُو دашنان بله گدسین»  
gādām, bālām, dard u balām, bu dāšnân bela  
gedsyn.

برگردان: تمام درد و بلایم، درد و بلایم، همراه این سنگ برود.

«دده‌مین، ننه‌مین، قارداش باجی‌مین، قاداسی، بُونان بله، گدسین.»

dādāmyn, nānāmyn, gārdāš bājymyn,  
gādāsy, bonân bela, gedsyn.

برگردان: درد و بلای پدر و مادرم و برادر و خواهرم، همراه این سنگ برود.



## ناقلان و راویان

نادری (قاصدی)، ترلان، ۱۳۶۶/۱/۱

نعمتی، بالا خانم، ۱۳۶۶/۱/۱

قاصدی، زهرا، ۱۳۶۶/۴/۳۰

برنجی، آذر، ۱۳۶۶/۴/۳۰

رجبی، یدالله، ۱۳۶۶/۵/۱۰

مهری، یدالله، ۱۳۶۶/۵/۱۷

کوهی، احمد، ۱۳۶۹/۷/۱۴

جهانی، رستم، ۱۳۶۶/۷/۳۰

جهانی، جواد، ۱۳۶۶/۷/۳۰

ترلان نادری - پیرزن، ۶۶/۹/۱۴

شعبان ظفری - پیرمرد، ۶۶/۹/۱۵

زهرا قاصدی - خانه‌دار، ۶۶/۹/۱۸

اطلاعات شخصی نگارنده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

